



اوضاع ایران در قرن نوزدهم

۸

روزیست و دویم جمادی الاولی نایب السلطنه باراضی سرخس رسید در آنجا عملیاتی نمود و در آغاز تلفاتی دید و متوقف شد ولی پس از هجوم سپاهیان سهراب خان فرمانده توپخانه محمد میرزا سرخس در زیر آتش توپخانه به محاصره درآمد. مدافعان سرخس چهارم جوئی پرداخته عده ای از اسیران را برابر آتش توپخانه قراردادند تا قوای دولتی از شلیک خودداری کنند باین ترتیب خود را بار دوی نایب السلطنه نزدیک و تقاضای مبادله اسیران و زندانیان متوقف در مشهد را نمودند. نایب السلطنه بتقاضای اهالی سرخس و قعی نگذاشت و از چهار سو هجوم آورد. در سرخس قریب یکساعت پیکار و کشار نمودند در این بین بالی معمر که مأمور پیشنهاد مبادله اسرا بود بقتل رسید و سپاهیان هر یک هزار تومان دریافت داشتند و سرخس را با خاک یکسان کردند. آنگاه نایب السلطنه اسیران شیعی را که از زندان سرخس آزاد شده بودند امر داد تا ترکمانان برده فروش مقیم سرخس را که غالباً شیعیان را بخیومه و نقاط دیگر ترکمنستان برده میفروختند از دم شمشیر بگذرانند. چهارصد و پنجاه تن از برده فروشان ترکمن بقتل رسیدند. نایب السلطنه جعفر قلیخان شادلو و مصطفی قلیخان ستمانی و سه هزار خانوار ترکمن ساور را با سه هزار اسیر شیعی که در سرخس میزیستند نجات داده روانه مشهد ساخت و از آنجا آنانرا بسکناهایشان معادوت داد. خبر این فتوحات در ۲۴ جمادی الثانیه بشاه رسید. سپس نایب السلطنه محمود آباد و دولت آباد و ژاوه و سنجان را که از مستملات محمدخان قرائی و بسر نشینی برادران قرائی مهدیقلی خان و محسن خان بود بدون مانع بتصرف در آورد و پس از برقرار ساختن نظم در آن سرزمین در نیمه شعبان بمشهد بازگشت. در مشهد رضاقلی خان زعفرانلو و محمدخان قرائی را که از پیش تحت نظر بودند بر اثر ارائه مکتوب فریبنده کامران میرزای افغان مجبوس ساخت.

در مشهد نایب السلطنه یار محمدخان وزیر کامران میرزا را که تحت نظر بود مأمور پیمایی بکامران میرزا نمود تا هرات را که از زمان پیش جزء خاک ایران بود بدون کشمکش و نزاع بازگرداند و در همین موقع بفرمان شاه پسر ارشد خود محمد میرزا را بفرمانروایی خراسان تعیین و میرزا موسی گیلانی را بوزارت وی برگزید. میرزا صادق برادرزاده قائم مقام فرهانی را نیز بملازمت ولیعهد تانی برگماشت.

وقایع کرمان

در اوایل سال ۱۲۴۸ که عباس میرزا سرگرم قلعه جنوشان بود محمد علی خان ایلخانی قشقایی بتحریر یکمیرزا علی اکبر کلاتر فارس زمینه ای برای عزل میرزا محمد علی مشیر الملک که از وزیران حسینعلی میرزای فرمانفرما بود فراهم ساخت و برادر مرتضی قلی خان اتیل یکی را با اتفاق جمعی از افراد اتیل قشقایی روانه کرمان نمود. در این

موقع سیف الملوك میرزا پسر ظل السلطان که سابقاً از جانب نایب السلطنه حکومت کرمان را عهده دار بود از ائیل بیگی و همراهان وی استقبال نمود. فرمانفرمای فارس پس از استحضار از این پیشامد مشیر الملک را از وزارت معاف داشت ولی با وجود غول او قشقاییان آرام ننشستند و بشویق رؤسای خود همچنان در اراضی کرمان ماندند. فرمانفرما نیز بر اثر تصمیم و تمرکز افراد جنگی ائیل بیگی در سرزمین کرمان موقع را مناسب دیده بادهزارتن سوار و پیاده رهسپار کرمان گردید و در نیمه ربیع الاول نزدیک قصبه بابک اردوزد و مورد استقبال ظهیر الدوله برادر خود واقع گشت. حسینعلی میرزا نسبت بسیف الملوك میرزا خوشین نبود و بهمین مناسبت مقرر داشت او را بفارس بیرند ولی شاهزاده مزبور در بین راه فارس بجانب یزد گریخت. هنگام رسیدن فرمانفرما بخارج شهر کرمان چون زن سیف الملوك میرزا که دختر نایب السلطنه بود در باغ نظر اراک کرمان میزیست دروازه اراک را بروی عموی خود حسینعلی میرزا انگشود و از جانبی نیز علی نقی خان قراگوزلو با فوج هدانی خود که بفرمان نایب السلطنه متوقف کرمان بود در این موقع بحفاظت و حراست شهر پرداخته بود ناگزیر از جانب فرمانفرما دستور داده شد تا سپاهیان فارس بشهر هجوم آورند. در این جنگ خونین از غون میرزا ۱ فرمانده و مصطفی قلی خان قشقایی که بقشون فارس پیوسته بود بضراب گلوله بهلاکت رسیدند. ارغون میرزا را در گلیمی پیچیده بار دو انتقال دادند. و حسینعلی میرزا از وقوع این حادثه سخت بر آشفت و باقوای خود چنان بشهر حمله ور شد که مدافعان بگشودن دروازه مجبور شدند. فرمانفرما بمجرد دخول در اراک و سائل اخراج دختر نایب السلطنه را فراهم آورده و براتحت الحفظ روانه یزد نمود.

چون در ایتموقع اهالی کرمان دست سیف الملوك میرزا را از حکومت کرمان کوتاه دیدند تشبیهاتی کردند تا سیف الدوله میرزا برادر او نیز که در آنوقت حاکم یزد بود از حکومت برکنار شود ولی اقدامات آنها مشورت واقع نشد. و حسینعلی میرزا پس از انتظامات کرمان بشیراز برگشت. مراحل نهائی جنگ کرمان مصادف با فتوحات عباس میرزا در جنوشان بود در

۱- حسینعلی میرزا شجاع السلطنه ششمین پسر فتحعلیشاه دارای هفت پسر و نه دختر بود. پسران او بر ترتیب عبارت بودند از هلاکو میرزا ملقب به بهادر خان و ارغون میرزا و اباقآن میرزا یا اباخان ملقب به فروغ الدوله و ابوسعید میرزا و منکوقآن میرزا و اوکتای ناآن میرزا و قهرمان میرزا. مادر ابوسعید میرزا قسمی و مادر قهرمان میرزا دختر اسحق خان قرائی بود اما پنج برادر دیگر از دختر مرتضی قلی خان عم شاه بودند.

توضیح آنکه آنچه تاکنون درباره تعداد اولاد و نواده فتحعلیشاه در این مقالات یاد شده طبق کتاب خطی « اولاد فتحعلیشاه » تالیف محمود قاجار میباشد. بدیهی است نویسندگان بعد از او مانند صاحبان نسخ و روضه الصغای ناصری تعداد آنها را بیشتر ذکر نموده اند زیرا که محمود میرزا تا زمان تحریر خود را توانسته است بقلم آورد مثلاً پسران عباس میرزا را بیست گفته است در صورتیکه در قاجاریه ناسخ بیست و شش است. منتهی راقم ناسخ اشتباهاً محمود میرزا را بانزدهمین و حیدر قلی میرزا را چهاردهمین پسر فتحعلیشاه تعیین نموده و حال آنکه محمود میرزا مؤلف کتاب مذکور خود را چهاردهمین پسر و حیدر قلی میرزا را پانزدهمین معرفی کرده است

حین آخرین حملات خود بقلعه جنوشان لشکری برای تقویت قوای سیف الملوک میرزا بکرمان گسیل داشت ولی هنگام رسیدن لشکر مزبور به یزد خبر فتح کرمان بتوسط فرمانفرما انتشار یافت بدین مناسبت نایب السلطنه مقرر داشت قهرمان میرزا ۱ حکومت یزد را بدست بگیرد و محمد رضاخان فراهانی در خدمت او باشد ضمناً سیف الملوک میرزا و سیف الدوله میرزا روانه دارالخلافه شوند. نظر باینکه قهرمان میرزا سپاهی از اهالی یزد و نائین بدور خود گرد آورده باتفاق پانصدتن سوار و پیاده خراسانی که قبلاً در اختیار داشت برای تسخیر کرمان شتافته بود و در قلعه باغین با سپاهیان ابا قآن میرزا مواجه شد و دو بیست نفر تلفات داد و فرمانده لشکر او محمد نظر خان اسیر شد. شاه از این خود سری مکدر شده هلاکومیرزا ۲ را بحکومت کرمان و سیف الدوله میرزا را بحکومت یزد منسوب نمود.

در این سال چون حکومت گرجستان از باسکو بیخ گرفته و به «بارون رازن» واگذار شده بود وی میرزا ابراهیم (مسیحی) برادر کوچک منوچهرخان (گرجی) ایچاقاسی باشی معتمد الدوله ۳ را که در گرجستان میزیست روانه دربار ایران نمود تا خبر انتصاب خود را بشاه برساند. میرزا ابراهیم در اواسط ربیع الاول ۱۲۴۸ وارد تهران شده در خانه معتمد الدوله منزل کرد و پس از ملاقات باشاه و گذرانندن تحف و نامه فرمانفرمای گرجستان بلقب خانی مفتخر شده باتفاق میرزا محمد مهدی مستوفی پسر کوچک میرزا زکی نوری که بسفارت منصوب شده بود بگیلان و از آنجا از راه خلخال باردیبل و تبریز و قلیس رفت. در تالیس نشان شیرو خورشید الماس و نامه تهنیت آمیز شاه را تسلیم سردار گرجستان نمودند. میرزا محمد مهدی پس از ۲۰ روز بتهران بازگشت و روز ۲۷ شوال وارد پای تخت شد ضمناً در بهار همین سال گراف سیمانویچ ۴ وزیر مختار جدید روس بانامه و هدایای امپراطور روس وارد تهران گردید. هنگام ورود امان‌اله خان اوخلوی افشار و سلیمان خان قاسملو باستقبال رفته بودند روز ۱۵ ذی‌عده بمنزل ظل‌السلطان وارد شد و روز بعد از جانب شاه و میرزا ابوالحسن خان وزیر دول خارجه پذیرفته و مقرر شد که باتفاق میرزا الکساندر مترجم خود برای ملاقات عباس میرزا بمشهد برو و برای اقامت به تبریز برگردد. پس از بازگشت از مشهد و قبل از عزیمت به تبریز وزیر مختار و همراهان وی باخذ قطعه نشان مرصع و چهار بافته کشمیری نائل شدند.

دنباله وقایع خراسان

هنگام توقف نایب السلطنه در مشهد اله قلی توره پادشاه خوارزم نمایندگان از ترکمانان تکه و ساروق برای بستن پیمان خدمت عباس میرزا روانه ساخت در نتیجه بموجب ضمانت او و پرداخت پنج هزار تومان وجه نقد قرار دادی تحت شش ماده منعقد گردید. بموجب این قرارداد پنج هزار تن از اسیران سالخورده آنان آزاد و عازم سرخس شدند. متعاقب وصول خبر این قرارداد یار محمدخان افغان نیز شخصاً از جانب کامران میرزا پیشنهاداتی مبنی بر پرداخت پانزده هزار تومان و صرف نظر کردن دولت از تسخیر هرات بنایب السلطنه نمود ولی چون پیشنهادات وی برخلاف نظریات نایب السلطنه

۱- هفتمین پسر عباس میرزا ۲- پسر ارشد حسنعلی میرزا شجاع السلطنه ۳- یکی از فرماندهان جنگ

بود جوابی بیار محمد خان داده نند بلکه شاهزاده عباس میرزا بشبهه مقدمات قشونکشی بجانب هرات مشغول گردید. گزارش امر از جانب نایب السلطنه بشاه رسید و مقرر شد که فرماندهی قوا به محمد میرزا محول شود و رضاقلی خان زعفرانلو و عبدالرضا خان بیگلر بیکی یزدی و محمدخان قرآنی در التزام نایب السلطنه عازم تهران شوند. نایب السلطنه با نژده هزار سرباز مسلح از طوایف مختلف باختیار محمد میرزا گذاشته خود با اتفاق زندانیان نامبرده و محمد تقی خان بیس مست و مهدی قلی خان برادر محمدخان قرآنی و جعفر قلی خان پسر نجفعلی خان شادلو روز ۲۲ محرم ۱۲۴۹ وارد تهران شد.

شاه رضا قلی خان زعفرانلو جنوشانی و محمد خان قرآنی معروف به کله کن و دو پسر کوچک او را با آذربایجان تبعید نمود. رضاقلی خان در منزل میانج شقاقی در گذشت ۱ محمد تقی خان را بخشید و مقرر داشت تحت نظر عباس میرزا روانه خراسان شود اما عبدالرضا خان قصد انحصار داشت و یکبار تریاک خورد و زمانی بعد در کرباس قصر شاه خنجر کمر فراشی را کشیده شکم خود را مجروح ساخت آخر در خانه محمدولی میرزا زندانی شد یکروز صبح چنگیز میرزا و ناصرالدین میرزا و نصراله میرزا ۲ و امامقلی میرزا ۳ و سایر ساکنان آبخانه

۱- رضاقلی خان زعفرانلو اصلاح کرد و از سایر اعیان خراسان متنفذتر و هیچده سال تمام در امور خود مسلط و مستقر بود و با خوارزم و حاکم هرات و سایر طوایف ارتباط خاص داشت.

۲- محمد ولی میرزا سومین پسر فتحعلیشاه باستاناد ناسخ التواریخ دارای بیست و شش پسر و بیست دختر بود که در شیریه نامه محمد ولی میرزا و اولاد او نامی از ناصرالدین میرزا ذکر ننوده ولی محمود قاجار تا تاریخ تالیف کتاب خود نام بیست پسر محمد ولی میرزا را بقلم آورده ناصرالدین میرزا را چهارمین و چنگیز میرزا را سومین و نصراله میرزا را ششمین پسر معرفی کرده است. مادر دو برادر اخیر دختر حسینقلی خان بیات بوده است.

۳- نیره بیگ خان اوزبک امیر بخارا و داماد محمد ولی میرزا.

فریزر انگلیسی میگوید: پدر بزرگ رضا قلی خان ایلخانی محمد حسین خان نام داشت و سرسلسله ایلخانیان قوچان بود و در شیروان سکونت داشت پس از او منصب ایلخانی گری بپسر او امیرخان محول گردید. وی بقوچان رفته مدت ها با تراکمه گونه (بموجب سنک مرقد او که در حرم مطهر حضرت رضامیباشد و مقبره خانوادگی آنها در آنجا است در ۱۲۳۲ هجری قمری فوت نموده) زدو خورد نمود تا آنکه بر آنها مسلط شد. در سال ۱۸۱۵ مسیحی برابر سال ۱۲۳۲ هجری قمری پسر او رضاقلی خان معروف بزعفرانلو کرد جان شین وی گردید. رضاقلی خان مدت پنجاه سال در میان اکراد بسر میبرد. رضاقلی خان شخصی است متعصب بصفات حمیده و اخلاق پسندیده و شجاع و متهور. در زمان فتحعلی شاه که سلطان معجوب و خوشگدران بشمار میرفت سر از اطاعت بیچید و بس از محاصره قوچان بدست نایب السلطنه مجبور باطاعت گردید بدستور شاه روانه پایتخت شد و از آنجا با آذربایجان تمید گردید ولی در بین راه از شدت غمه در میانه در گذشت. آنگاه سام خان پسر ارشد رضاقلی خان ایلخانی قوچان و برادر کوچک سام خان موسوم بامیر حسین خان امیرالامرا ملقب بشجاع الدوله به حسب ایلخانی نائل گردید. امیر حسین در سنه ۱۸۵۶ تا ۱۸۵۷ در جنگ هرات و در ۱۸۶۰ در جنگ مرو حضور داشت و زمانی هم در خراسان ستیزگی کرد و چون کاری از بیش نبرد متعهد پرداخت مالیات سنگین گردید و چون از عهده آن بر نیامد دستگیر و محبوس شد آخر با پرداخت مبالغ هنگفت آزاد گردید. پسر بزرگ شجاع الدوله ابوالحسن نام داشت.

با کار دو ساطور او را قطعه قطعه کردند .

نایب السلطنه پنجاه هزار تومان از شاه دریافت و روز ۱۹ ربیع الاول ۱۲۴۹ بخراسان مراجعت نمود. هنگام ورود بمشهد ملک قاسم میرزا پسر حاجی فیروز شاه پسنده خان افغان که مخالف کامران میرزا بود بعبده ای از رؤسای قبائل ترکمان به محمد میرزا ملحق گشته بجانب هرات شتافتند. پس از عزیمت محمد میرزا میرزا ابوالقاسم قائم مقام نیز از جانب نایب السلطنه روانه هرات شد. سپاهیان محمد میرزا در قلعه کوسویه حمله کردند و جمعی از سپاهیان یار محمد خان را که در مشهد تحت نظر بودند اسیر و قلعه آنجا را تصرف کردند و حملات خود را بجانب هرات ادامه داد پس در پل نقره مواجه بلشکر کامران میرزا شد. پس از زد و خورد مختصر قوای محمد میرزا نزدیک هرات رسیدند. در این موقع میخواستند هرات را تصرف در آورند که خبر فوت نایب السلطنه در سراسر کشور انتشار یافت. در گذشت و سوابق امراض نایب السلطنه بدین قرار است :

در سال ۱۲۳۸ هجری قمری عباس میرزا مبتلا بورم کزیه شد و میرزا محمد احمد آبادی اصفهانی بدستور شاه به تبریز رفته یکسال او را معالجه کرد. پس از ششماه مرض عود و شدت کرد. دکتر کارمک طبیب انگلیس شروع بمعالجه نمود و مدت دوازده سال در سفر و در حضر مواظب حال مزاجی عباس میرزا بود. در سال ۱۲۴۹ هنگام حرکت او بخراسان دکترومزبور برای تهیه داروهای موثر به تبریز رفته بود و هنگام بازگشت و عزیمت بخراسان شاه پنج هزار تومان باو سپرد تا باتفاق میرزا علی نقی رکن و آصف الدوله بمشهد ببرند ولی دکتر کارمک بین راه در مزیان درگذشت. موقعی میرزا باباحکیم باشی که از مزاج شاهزاده اطلاع داشت و بمداوای بواسیر و نواسیری میپرداخت باتفاق حاجی بابای خاصه تراش که غالباً ناظر جریان معالجات بود در حضور دکتر کارمک بنایب السلطنه گفته بودند مرض مهلك نخواهد بود مگر وقتی که تورم به خصیتان سرایت کند بهمین مناسبت چون قائم مقام عواقب مرض شاهزاده را بشاه عرض کرد شاهزاده از این مصلحت اندیشی خشمناک شده قائم مقام را مورد ضرب و شتم قرارداد و بی تامل بخراسان شتافت. در راه خراسان مرض او شدت یافت و چون بمشهد رسید بسختی بیمار گشت. در آن موقع شاه خواست دکتر جان مک نیل را مامور خراسان کند ولی او چون مرض عباس میرزا را قابل علاج نمیدانست بمعاذیر پرداخت و برفت. حکیم داودخان مسیحی را نیز برای این امر طلبیدند وی نیز مریض و بستری شد. چون هیچ تدبیری نبود و هر دم درد و ورم شدت مییافت نایب السلطنه ناامید شد. شب پنجشنبه دهم جمادی الثانی ۱۲۴۹ پس از مراجعت از حرم و قدری استراحت در اواخر شب خون استفراغ نمود. در آن موقع چون هیچکدام از امیرزادگان غیر از دختر کوچک ۱ او در آنجا حضور نداشت. حاجی علی اصغر خواجه را طلبید و بزحمت زیادتن خود را برابر قبله کشاند

۱- قاجاریه ناسخ مینویسد عباس میرزا نایب السلطنه بیست و شش پسر و بیست و یک دختر داشت و هنگام مرگ پنج تن از آنان صغر بودند. جریان واقعه فوت عباس میرزا مندرج در فوق اقتباس از روضة الصفاى ناصری میباشد .

وقبل از رسیدن خواجه در گذشت . جسد نایب السلطنه راسه روز در ارك نگاهداشته شد آنگاه در پناه مرقد حضرت رضا بختاك سپردند . مجلس سوگواری عباس میرزا در خانه ظل - السلطان بر ادراعیانی او منعقد بود و میرزا علی نقی رکن برای گزارش جریان فوت او عازم تهران شد . فوت نایب السلطنه را سه روز در خراسان مستور ساختند تا گسیختگی و با اعتشاشی در قشون مامور هرات رخ ندهد .

بنا بر این واقعه قائم مقام ادامه خصومت را با کامران میرزا اجازت ندانست و با موافقت شاهزاده محمد میرزا، میرزا موسی گیلانی را باتفاق نجفعلی خان شاد لور روانه هرات نمود تا پیشنهاد صلح و ترك جنگ کنند . کامران میرزا از این پیش آمد حسن استقبال نمود و مقرر شد چند روزی بمذاکره پردازند . متعاقب این تصمیم میرزا موسی باردور مراجعت نمود . چند روز بعد نجفعلی خان شادلو باتفاق یکی از نمایندگان کامران میرزا وارد شد و چگونگی مصالحه نامه رامو کول به نظریه یار محمدخان که مدتی تحت نظر بود نمودند . یار محمدخان به کامران میرزا پیام داد که سکه و خطبه بنام شاه ایران کند همچنین پانزده هزار تومان وجه نقد و تحف و اشیائی چند پیشکش کند . این پیشنهاد مورد قبول واقع شد و کامران میرزا پسر خود را برای ادای وظیفه و آداب تعزیت و تسلیمت روانه مشهد داشت وی با گذراندن پیشکشی ها نظر پدر خویش را با اطلاع محمد میرزا رساند .

پس از مراجعت خسرو میرزا از سفارت روسیه يك كرور تومان زر تيمه غرامات جنگ بزمه كارداران ایران بود که بعد از مدت معین تسلیم دولت روس دارند . در این هنگام وقت ادای آن فرا رسیده بود . شاه میخواست میرزا ابوالحسن خان وزیر دول خارجه را بسفارت مأمور کند تا قراری تازه گذاشته پرداخت وجه را بتاریخی دیگر موکول نماید . نایب السلطنه پرداخت را در مدت دو سال مقرر داشته بود . در این موقع محمد میرزا بشاه عرض کرد که حاجت بفرستادن ایلیچی نیست شخص او متعهد پرداخت آن میشود و پادشاه خرسند شد .

در اوایل سال ۱۲۴۹ هجری قمری يك فرمانده باتفاق بیست و سه تن صاحب منصب انگلیسی و يك معلم توپخانه با مقداری تفنگ سر نیزه دار انگلیسی برای تعلیم سربازان آذربایجان وارد ایران شدند . غالباً همین تحولات موجب خشم روسیان میشد و همواره در صدد تحريك قبایل سرحد نشین شمالی بر میآمدند .

در همان اوقات برخی از طوایف ترکمن بخصوص قبیله تکه در اراضی ترشیز بتاخت و تاز و تاراج اموال پرداختند . شاهزاده اسمعیل میرزا ۱ حاکم بسطام آنها را تعقیب کرد و چند تن را کشتند پس از این حوادث و رفع بعضی اغتشاشات دیگر شاهزاده محمد میرزا باتفاق میرزا ابوالقاسم قائم مقام عازم تهران و در تاریخ ۶ صفر ۱۲۵۰ وارد شد و در نگارستان اقامت گزید . در این موقع با آنکه نیابت سلطنت و مقام ولایتعهدی حقا بشاهزاده ظل السلطان برادر عباس میرزا میرسید بر حسب پیشنهاد عده ای از شاهزادگان مشفق و رجال درباری نیابت سلطنت و ولایتعهدی ایران به محمد میرزا تفویض گردید . در باغ

نگارستان جشن با شکوهی بر پا شد. بامر شاه میرزا آقاخان وزیر لشکر و سران سپاه مأمور پذیرائی شدند و عده کثیری از شاهزادگان و رجال در این جشن شرکت نمودند فرمان ولایتعهدی و شمشیری مرصع و یک خنجر مکمل به نشان شیرو خورشید که مخصوص ولایتعهد بود از طرف شاه رسید. محمد میرزا پس از احراز مقام ولایتعهدی در تاریخ ۱۶ صفر مسافرتی بآذربایجان نمود.

چون در زمانی پیش مرتضی قلی خان امیل بیگی قشقایی دو هزار سوار بنام حمله از بین شصت هزار خانوار گرد آورده بود و با حکومت فارس مخالفت میورزید و شاهرخ میرزا ۱ را فریب داده بکک او و هشت هزار سوار بجانب قمشه رفت در آنجا سلیمانخان خان خانسان خواهر زاده فرمانفرما را بر کنار و روانه فارس کرد و شاهرخ میرزا را بجای او بحکومت قمشه منصوت نمود. این خود سری موجب خشم شاه شد. در اواخر سال ۱۲۴۸ مأمورینی برای دستگیری مرتضی قلی خان بآن صفحات روانه داشت. یکی از سرداران فارس موسوم به آقا با خان مازندرانی مأموریت یافت که به بهانه وصول مالیات او را ملاقات کند. مأمور حسینعلی میرزا پس از کشمکش و زد و خورد مختصری امیل بیگی را دستگیر و روانه شیراز نمود. هنگام نزاع گلوله ای بمرتضی قلی خان اصابت نمود و جای آن التیام نیافت. پس از فوت امیل بیگی بامر امامقلی میرزا ۲ علی اکبر قوام الملک و محمدعلی خان ایلیخانی را دستگیر و محبوس ساختند. میرزا قاسم خان خلیج داماد ایلیخانی را نیز دستگیر و از هر دو چشم نا بینا ساختند و اموال او را علاوه بر شصت هزار تومان زر مسکوک که در مقبره اجداد ایلیخانی واقع در خارج دروازه کازرون کشف نموده بودند ضبط کردند. پس از رفع غائله مرتضی قلی خان محمد علیخان ایلیخانی و قوام الملک از زندان خارج و مورد نوازش شاه واقع شدند.

بختیاریان و رفتن فتحعلیشاه باصفهان

سابقاً هنگام جنگ ایران و روس زمانی که بختیاریان قلمه عباس آباد را حراست میکردند بواسطه ناتوانی ایشان قلمه بتصرف روسان در آمده بود. شاه بختیاریان را که دو

هزار تن میشدند بسکنای خویش گسیل داشت. با وجود اینکه هر دسته از این عده تحت اطاعت یکی از شاهزادگان عراق در آمده بودند معیند برای معیشت مجبور بودند از طریق راهزنی در عرض راه عراق زندگانی خود را تأمین نمایند چون تکلیف قطعی آنان در اثر تشمت افکار شاهزادگان و مخالفت هائی که بین آنها بود روشن نمیگردید یکی از خوانین موسوم به محمد تقی خان بختیاری پسر علی خان کنورسی باتفاق شش هفت هزار سوار بختیاری عازم تسخیر شوشتر و دزفول گردید و پس از تصرف آن نواحی بفارس رفته اهالی کوهگیاویه والوار ممسنی و حکام دشتی و دشتستان را بخود ملحق ساخت. از جانبی حسینعلی میرزا یوسف خان گرجی را که تازه بوزارت نصرالله میرزا عضدالدوله ۳ منصوب شده بود

۱- پنجمین پسر حسینعلی میرزا فرمانفرما از هفده پسر ۲- سومین پسر حسینعلی میرزا فرمانفرما
۳- هشتمین پسر حسینعلی میرزا فرمانفرما

بدفع آنها فرستاد. هنگام زد و خورد یوسف خان ولی خان ممسنی سر نشین قلعه سپید را تعقیب و با شمشیر مجروح ساخت اما بضر بگلوله تفنگچیان ولیخان که بیرون باغ ایستاده بودند مقتول گردید و تفنگچیان ولی خان را نجات دادند.

از این گونه حوادث مکرر در فارس و اصفهان روی میداد تا آنکه بر اثر قحط و غلاء و کسر سیصد هزار تومان مالیات اصفهان و باصرار عبدالله خان امین الدوله اصفهانی شاه با وجود ضعف بنیه و بیماری های متناوب عازم اصفهان گردید تا شخصاً ناظر وضع آن صفحات گردد. شاه هنگام عبور از قم دستوری برای ساختن مقبره خویشتن داد و در تاریخ ۴ جمادی الثانیه ۱۲۵۰ وارد اصفهان شد. شش روز پس از ورود شاه با اصفهان حسینعلی میرزا نیز وارد آنجا شد و بمشورت پادشاه پرداخت. حسام السلطنه حاکم بروجرد بختیاری نیز وارد اصفهان گردید. نامبردگان برای رسیدگی بوجوهی که وصول آن مدت چهار سال بتعویق افتاده بود عازم فارس شدند. آنگاه هفت هزار سوار و پیاده تحت نظر آصف الدوله برای سر کوبی یاغیان ممسنی و بختیاری مأمور فارس شدند. حاجی میرزا ابوالحسن خان وزیر دول خارجه ۱ و میرزا سیدعلی مستوفی تفرشی نیز همراه آنان عازم فارس گردیدند. این هیئت در لسان الارض تخت فولاد اصفهان توقف نمودند تا برای عملیات مرجوعه و تاریخ حرکت خود بمشورت پردازند ولی شاه روز ۱۵ جمادی الثانیه بسینه پهلوی مبتلا شد و بیماری او رو بشدت نهاد و روز پنجشنبه ۱۹ جمادی الثانیه ۱۲۵۰ دو ساعت و نیم بغروب مانده در باغ هفت دست ۲ سعادت آباد اصفهان و در دامن آغا بهرام قراباغی خواجه در گذشت. پس از سه روز علی نقی میرزا ۳ نقش شاه را در تخت روان گذاشته خزان و توپخانه و زنبور کخانه و صندوق خانه و اهل حرم را برداشته در حالیکه تمام سیاه پوشیده بودند بسمت قم عزیمت نمودند و در مقبره ای که قبلاً بدستور خود شاه ساخته بودند بخاک سپردند.

نفوذ انگلستان در زمان فتحعلیشاه

جنگ های ایران و روس در سی سال اول قرن نوزدهم و گرفتاری بیابانی فتحعلی شاه که بواسطه اغتشاشات داخلی از قبیل رقابت شاهزادگان و حکومت های خود سرانه ایلیخانیان روی داده بود

موجب ضعف و کسینختگی نظم قشون و حتی سلب نفوذ سیاسی ایران گردیده بود با این وصف چنانکه ملاحظه گردید پس از واقعه قتل گریا بدو روسیه که سرحد طبیعی خود را با ایران بطریق مسالمت و مودت استوار ساخت از جانبی بر اثر تغییرات اوضاع سیاسی اروپا سعی

۱ - واضح است علت مداخله میرزا ابوالحسن خان شیرازی وزیر دول خارجه در امور مالی فارس بمناسبت رابطه او با مقامات خارجی بوده است چه میرزا ملکم خان ناظم الدوله در یکی از رساله های خود بنام «پولتیک ایران چیست» چنین مینویسد: «بولی که بخاقان مغفور میدادند و مداخله ای که در مرآده خارجی ایران نمودند و صاحب منصبانی که برای عساکر ایران فرستادند و خصوصیتی که به فرمانفرمای فارس داشتند و مواجبی که بمیرزا ابوالحسن خان میدادند و میل باطنی که بسالار داشتند کاملاً مقدمات دوستی انگلیسی بوده»

۲ - محل فعلی کارخانه بارچه باقی کازرونی که در آن موقع باغ و عمارات هفت دست نامیده میشد
۳ - هشتمین پسر فتحعلی شاه

و اهتمام میورزید که نظر اولیاء این کشور را بخود جلب نموده دولت ایران را با خودمساعد کند چه مقصود عمده روسیه در آنموقع دست یافتن بر داردانیل بود. دولت انگلیس و عمال ایشان که تا مرگ فتحعلی شاه میخواستند بمالیت و صمیمیت امتیازاتی بدست آورند تغییر روش داده سیاست خشن سابق روسها را پیش گرفتند. در این موقع برخلاف زمان فتحعلی شاه که فشار انگلیسیان چندان محسوس نبود برای حفظ هندوستان میل نداشتند که دولت مقتدر و با نفوذی در جوار هندوستان وجود داشته باشد و بهمین جهت دولت کهن سال ایران را که از خطرناکترین ممالک سوق العجیشی برای حمله به هندوستان دانسته بودند پیوسته مورد توجه سیاستمداران و عمال انگلستان بود. دوستی دولت انگلیس با دولت روس باطلان بمشظور ضعیف نمودن ایران و عثمانی و تقویت نفوذ خود در مناطق حساس و سوق العجیشی این دو کشور بود و سیاست دوستانه ظاهری خود مدت ها روسها را آلت دست قرار داده مقاصد خود را در این دو کشور انجام میداد چنانکه عثمانی را ناتوان ساخته بود.

اما پس از انعقاد معاهده ترکمانچای و ضعف دولت ایران متوجه قدرت روسیه گردید و برای سلب نفوذ آن کشور در ایران و عثمانی و همچنان برای جلوگیری از هر گونه دوستی او با دول غربی ناگهان سیاست خود را تغییر داد و بهر وسیله که ممکن بود صلح بین روس و عثمانی را بموجب معاهده ۱۸۲۹ فراهم واستوار ساخت. از همان موقع دولتین روس و انگلیس نسبت بیکدیگر سیاست خاصی اتخاذ نمودند و رفته رفته دوستی این دو کشور مبدل برقابتی شد که هر دم شدت مییافت. در آنموقع انگلیسان نقشه هائی طرح نمودند که برای دولتین ایران و عثمانی غیر قابل تحمل بود زیرا افغانستان را برضد ایران و مصر را بزبان عثمانی تحریک نمودند و فشار و نا راحتی این دو کشور بیش ازمواردی بود که بسا دولتی خارجی رسماً در حال جنگ بوده باشند. روش سیاستمداران و مامورین انگلیسی پس از انقضای جنگ های ایران و روس یعنی در اواخر عمر عباس میرزا که مأمور امن نمودن صفحات خراسان تا سرحد رود سند شده بود بطور محسوس متغیر و آشکار شد چه برای جلوگیری از نفوذ سیاسی و هجوم قوای ایران بخاک افغانستان اقداماتی چند بعمل آوردند. مأمورین آنان در سند و بعضی از نواحی سرحدی افغانستان فعالیت نمودند و نگذاشتند نقشه عباس میرزا بمورد عمل در آید. در سال ۱۲۵۰ هنگامیکه سرجان مکدونالد وزیر مختار انگلیس در تبریز بود ماموری نظامی موسوم به آرتورا کونولی را در لباس مبدل باتفاق سید کرامت علی هندی مخفیانه باستراباد و هرات و کابل و بعضی از نقاط دیگر افغانستان و ترکستان فرستاد تا به تبلیغات پردازند. این مأمورین دائماً ناتوای ایران را در برابر قوای روس و حتی در امور انتظامی و داخلی خود ایران گوشزد افغانیان مینمودند. هنگامیکه عباس میرزا بفرمانروائی خراسان تعیین گردید تصور مینمودند که قشونکشی او مقدمه حمله به هندوستان خواهد بود. در آنموقع حتی در بعضی از جرائد خود نوشتند که عباس میرزا بکمک روس قصد حمله به خیوه و بعد به هندوستان دارد. عده ای از سیاحان و